

معناشناسی علمی و فلسفی «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» در تفاسیر قرآن کریم

چکیده

این پژوهش به بررسی عبارت قرآنی «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» پرداخته است که به عنوان یکی از مفاهیم ژرف و چندلایه قرآن کریم، تصویری جامع از قدرت الهی و ارتباط نظام کیهانی با مبدأ و معاد ارائه می‌دهد و به ساختار غایی خلقت و برگشت هستی به خالق اشاره می‌کند. این مطالعه با بهره‌گیری از رویکردی میان‌رشته‌ای، ابعاد مختلف این عبارت را از منظر لغوی، تفسیری، فلسفی، عرفانی و علمی تحلیل کرده است. پژوهش لغوی نشان داد که واژه «مطویات» از ریشه «طوی» به معنای جمع کردن و انسجام نهایی بوده و واژه «السموات» به دو بُعد فیزیکی و متافیزیکی از آسمان‌ها اشاره دارد. در بخش تفسیری، تفاسیری مانند تفسیر طبری این عبارت را توصیفی فیزیکی از پایان جهان دانسته‌اند، در حالی که مفسرانی چون زمخشری و علامه طباطبایی این عبارت را نمادی از قدرت مطلق الهی و بازگشت به سوی خداوند تفسیر کرده‌اند. از منظر فلسفی و عرفانی، مفهوم «قوس صعود» و بازگشت موجودات به سوی مبدأ در این عبارت مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین پژوهش حاضر با پرهیز از هرگونه انطباق جبری یا تقلیل مفاهیم متافیزیکی به تبیین‌های علمی صرف، بر ظرفیت قرآن برای ارائه تصویری کل‌نگر از جهان تأکید می‌ورزد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم فراتر از توصیفات علمی و محدودیت‌های بشری عمل کرده و دیدگاهی جامع و الهی درباره نظام هستی و تسلط خداوند بر آن ارائه می‌دهد. این یافته‌ها زمینه‌ای برای تحقیق در رابطه دوسویه میان علم و دین فراهم می‌کنند. بر این اساس، با اتخاذ رویکرد دینامیکی در مطالعات میان‌رشته‌ای و با بهره‌گیری از چارچوب تعامل سازنده بین علم و دین، نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم قرآنی مانند «مطویات» می‌توانند با حفظ هویت الهیاتی خود، با سناریوهای کیهان‌شناختی معاصر (مانند مدل انقباض بزرگ) در تعامل قرار گیرند، بدون آنکه دچار تقلیل‌گرایی علمی یا تفسیر تمثیلی محض شوند.

واژگان کلیدی: معناشناسی، السماوات، مطویات بيمينه، قرآن، تفسیر.

مفهوم «السَّمَاوَاتُ» در قرآن کریم یکی از مفاهیم محوری و بنیادین است که در آیات متعددی به آن اشاره شده و همواره مورد توجه مفسران و اندیشمندان علوم اسلامی قرار گرفته است. این واژه با معانی متنوع و گسترده‌ای همراه است که نه تنها به آسمان‌های فیزیکی و مرئی اشاره دارد، بلکه دلالت‌هایی عمیق‌تر بر لایه‌های مختلف هستی، عوالم معنوی و متافیزیکی نیز دارد. این گستردگی معانی، مفهوم «السَّمَاوَاتُ» را به یکی از مباحث پیچیده و جذاب در مطالعات قرآنی و الهیاتی تبدیل کرده است. علاوه بر این، استفاده مکرر از این واژه در قرآن و حضور آن در ترکیبات مختلف، همچون «السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»، «فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ» و «السَّبْعِ السَّمَاوَاتِ»، جایگاه ویژه‌ای به آن در نظام معنایی قرآن بخشیده و آن را به عنصری کلیدی در تبیین قدرت و عظمت الهی بدل کرده است.

تطبیق هفت آسمان قرآن بر اجرام منظومه شمسی در میان متقدمان تقریباً به یک صورت تقریر شده است. آسمان یا افلاکی که کرات ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری و زحل در آن قرار دارند به ترتیب آسمان‌های اول تا هفتم معرفی شده‌اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۵۴) یکی از ویژگی‌های برجسته قرآن کریم، توانایی آن در تطابق با سطوح مختلف دانش بشری و یافتن معانی جدید در طول زمان است. مفاهیمی مانند «السَّمَاوَاتُ» نمونه‌ای از این قابلیت هستند که با پیشرفت علوم و دانش بشر، ابعاد تازه‌ای از آن نمایان شده است. اگرچه اغلب مفسران این واژه را به آسمان‌های هفت‌گانه محدود کرده‌اند، اما دانش معاصر در زمینه‌هایی مانند کیهان‌شناسی، فیزیک و علوم طبیعی، زمینه‌ای برای بازنگری در این مفهوم فراهم کرده است. به عنوان مثال، در تفاسیر معاصر، «السَّمَاوَاتُ» به امور مختلف مرتبط شده است از جمله؛

ابر (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۹)، سمت بالا (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۲۸۹)، جو زمین (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۱۵)، باران (طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۲)، مقام قرب و حضور الهی و محل تدبیر عالم (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۷۴). همچنین در قرآن، السماء را به معنای اجرام و کرات آسمانی، جایگاه اجرام آسمانی، جهان هستی، آسمان مشهود در مقابل زمین، عالم معنا و ملکوت، مطلق عالم بالا و موجودات علوی (موجودی که در سمت بالا قرار دارد) به کار گرفته‌اند.^۱ مرحوم طالقانی سیارات عطارد، زهره، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس و نپتون را مصادیق هفت آسمان قرآنی که مطابق با علوم جدیدند، معرفی می‌نماید. (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۰)

۱. به عنوان نمونه رجوع شود به: مستر حمی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ حسینی، ۱۳۹۶، ص ۷۲-۷۳

همچنین برخی از عالمان دینی بدون اشاره و تحلیل در خصوص نظریات مبتنی بر علوم جدید، اظهار داشته‌اند که به‌روشنی نمی‌توان منظور از هفت آسمان قرآنی را دریافت و فعلاً می‌توان گفت آسمانی که مشهود انسان است، همان آسمان اول است و ما از شش آسمان دیگر خبری نداریم. (مصباح یزدی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۷۰-۳۶۹؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۵۲)

محمد باقر بهبودی به ترتیب مریخ، آسترویدها، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون و پلوتون را آسمان‌های اول تا هفتم معرفی کرده و برای آسمان‌های اول (السماء الدنيا)، دوم (مصباح و کواکب)، سوم (ملاً اعلی)، چهارم (السماء ذات الحجب)، و هفتم (سدره المنتهی) عنوان‌ها و معادل‌های قرآنی مطرح می‌نماید. درواقع او مدارات و سیارات فوقانی زمین را به‌عنوان آسمان تلقی کرده و زهره و عطارد را که مدارشان زیر مدار زمین است، آسمان قلمداد نکرده است. (بهبودی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۴) نظریه جهان مربوط و جهان‌های نامربوط، مبتنی بر اصلاح و تکمیل دیدگاه مرحوم بهبودی است. (بهبودی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۰-۲۴۵) این نظریه برای نخستین‌بار معادل‌های قرآنی برای هر کدام از هفت آسمان مطرح می‌کند که مبتنی بر یک الگوی معتبر علمی (منظومه شمسی) با تحلیل جدید است و بر اساس این فرضیه شکل گرفته است که در متن قرآن هر یک از هفت آسمان به‌طور مجزا و مستقل با عنوان مشخصی که مبتنی بر الگو و مصداق خارجی است، معرفی شده است. چنین برداشتی نه تنها با یافته‌های علمی مدرن همخوانی دارد، بلکه باعث تبیین دقیق‌تر آیات قرآنی نیز شده و افق‌های جدیدی را برای درک عمیق‌تر رابطه انسان با نظام کیهانی گشوده است.

این مفهوم نه تنها در متون قرآنی، بلکه در احادیث نبوی و روایات ائمه معصومین (ع) نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. در این متون، «السَّمَاوَاتُ» اغلب به عوالم معنوی و غیرقابل رؤیت اشاره دارد که در آنها فرشتگان، عرش الهی و قلمروهای متعالی وجود دارند. روایات اسلامی بر این نکته تأکید دارند که آنچه انسان از آسمان‌های مشهود می‌بیند، تنها بخشی کوچک از حقیقت کلی «السَّمَاوَاتُ» است و مراتب بالاتری از آسمان‌ها وجود دارد که برای انسان عادی دسترسی پذیر نیست. به‌عنوان نمونه، در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «ما السماوات السبع فی جنب الكرسي إلا كحلقه ملقاء بأرض فلاه، وفضل العرش علی الكرسي كفضل تلك الفلاة علی تلك الحلقة؛ آسمان‌ها و زمین در برابر کرسی همچون حلقه انگشتی است در وسط یک بیابان و کرسی در برابر عرش همچون حلقه‌ای است در وسط یک بیابان.» (راغب اصفهانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲۵)

این روایت نه تنها به عظمت مراتب عوالم الهی اشاره دارد، بلکه به ساختار لایه‌لایه و سلسله‌مراتبی جهان هستی نیز تأکید می‌کند.

در کنار جنبه‌های علمی، «السَّمَاوَاتُ» دارای دلالت‌های معنوی و فلسفی نیز هست. در عرفان اسلامی، آسمان‌ها نمادی از تعالی و نزدیکی به خداوند محسوب می‌شوند. بر اساس آموزه‌های عرفا، انسان مؤمن در مسیر سلوک معنوی خود باید از مراتب مختلف آسمان عبور کند تا به حقیقت نهایی برسد. ابن عربی در کتاب «فتوحات مکیه» به تفصیل از این سفر معنوی سخن گفته و هر یک از آسمان‌ها را نمایانگر یک مرحله از تکامل روحانی انسان دانسته است. این نگاه عرفانی، مفهوم «السَّمَاوَاتُ» را فراتر از ابعاد فیزیکی و علمی به یک استعاره معنوی برای رشد و تعالی انسان تبدیل می‌کند.

علاوه بر «السَّمَاوَاتُ»، واژه «مَطَوِيَّاتُ» نیز نقش مهمی در درک مفهوم آیه «وَالسَّمَاوَاتُ مَطَوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» ایفا می‌کند. این واژه از ریشه «طوى» است که در این عبارت قرآنی به معنای جمع‌شدن آسمان‌ها به اراده خداوند عزوجل است. این جمع‌شدن، نه تنها جنبه‌ای فیزیکی از پایان جهان را توصیف می‌کند، بلکه به بازگشت همه چیز به سوی مبدأ خود، یعنی خداوند نیز اشاره دارد. این واژه در تفاسیر مختلف مورد تحلیل قرار گرفته و همواره به قدرت مطلق الهی در نظم‌دهی به کیهان مرتبط شده است.

این پژوهش باهدف تحلیل دقیق‌تر مفهوم «السَّمَاوَاتُ» و «مَطَوِيَّاتُ» در آیه شریفه «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطَوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (زمر/۶۷)، به بررسی این مفاهیم از سه منظر لغوی، تفسیری و تطبیقی می‌پردازد و با رویکرد میان‌رشته‌ای و با بهره‌گیری از ساختار مفهومی باز و دینامیکی (تعاملی بین الهیات، معناشناسی و علوم طبیعی) ارائه شده است. چارچوب اصلی این تحقیق، بررسی تعامل ساختاری میان علم و دین از منظر آیات قرآن است؛ به گونه‌ای که قرآن به مثابه منبع معرفتی مستقل، دارای مؤلفه‌های فلسفی - کیهانی در توصیف نظم هستی است و در برخی آیات، به ساختارهای علمی و طبیعی ارجاع می‌دهد. آیه «وَالسَّمَاوَاتُ مَطَوِيَّاتٌ» نمونه‌ای است که در آن، ساختار جهان در پایان خلقت به شکل فشرده و در قبضه قدرت الهی تصویر می‌شود. این ساختار با سناریوهای علمی دربارهٔ پایان عالم همچون «انقباض بزرگ»^۱ یا بازگشت ماده، قابل مقایسه است. بنابراین، آیه نه تنها موضوعیت دینی دارد بلکه می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگوی میان علم و دین فراهم آورد. در این راستا، تلاش خواهد شد تا با بهره‌گیری از تفاسیر اسلامی و رویکردهای معناشناسی مدرن، دیدگاهی جامع و نوین از این مفاهیم قرآنی ارائه شود. بررسی تطبیقی این مفاهیم با علوم طبیعی نیز به درک بهتر پیوند میان دین و دانش کمک خواهد کرد. به طور کلی، این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم قرآنی می‌توانند در سطوح مختلف علمی، معنوی و فلسفی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند و افق‌های جدیدی را برای مطالعات قرآنی باز کنند.

^۱. Big Crunch

پرسش‌های این پژوهش به شرح ذیل است:

۱. کلمات «السموات» و «مطویات» در عبارت «والسموات مطویات بیمینه» از لحاظ تحلیل لغوی، معنایی، و همنشینی از چه معانی برخوردار هستند؟
۲. عبارت «السموات مطویات بیمینه» در تفاسیر و روایات قرآنی چه معانی دارد و این معانی چگونه فهم آیات قرآنی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؟
۳. چگونه می‌توان مفهوم قرآنی «السموات مطویات بیمینه» را در یافته‌های معاصر دانش هوافضا و کیهان‌شناسی تحلیل و تفسیر کرد؟

پژوهش حاضر در چارچوب نظریه «تعامل سازنده» بین علم و دین قرار می‌گیرد که توسط اندیشمندانی مانند «ایان باربور» و «جان هاپوود» طرح‌ریزی شده است. در این مدل، علم و دین نه در تقابلند و نه کاملاً مستقل، بلکه می‌توانند در حوزه‌های مشترک (مانند کیهان‌شناسی) به غنای یکدیگر کمک کنند. همچنین این مقاله با الهام از الگوی «تأیید ساختاری»، به بررسی تقاطع‌های معنادار بین مفاهیم قرآنی و مدل‌های علمی می‌پردازد؛ بدین معنا که شباهت‌های ساختاری بین «مطویات» و «بیگ کرانچ»^۱، بدون ادعای انطباق کامل یا استنباط علی به عنوان نشانه‌ای از هماهنگی معرفتی در نظر گرفته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

بر اساس پژوهش‌های علمی صورت‌گرفته در زمینه مفهوم «سماء» در قرآن و ارتباط آن با نظریه‌های کیهان‌شناختی معاصر، از جمله مطالعات قابل توجه، مقاله «معناشناسی توصیفی سماوات در قرآن کریم» نوشته دکتر جعفر نکونام است که در مجله پژوهش دینی (۱۳۸۴) منتشر شده و به بررسی ابعاد معنایی و مصداقی واژه «سماء» در قرآن پرداخته است. همچنین مقاله «هفت آسمان و زمین» اثر علیرضا رضائی که در مجله قرآن و علم (۱۳۸۷) به چاپ رسیده، به تحلیل تفسیری و علمی آیات مرتبط با ساختار آسمان‌ها و زمین می‌پردازد. علاوه بر این، مقاله «اعجاز ادبی قرآن در معناشناسی واژه سماء» نوشته دکتر بی‌بی حکیمه حسینی و مریم نخعی که در نخستین همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی در سال ۱۳۹۵ ارائه شد، بر جنبه‌های ادبی و معناشناختی این واژه در قرآن تمرکز دارد.

۱. بیگ کرانچ (Big Crunch) نظریه‌ای درباره پایان محتمل کیهان است که بر اساس آن پس از گسترش کنونی کیهان که از بیگ بنگ آغاز شده، در نهایت کیهان به حالت انقباضی و جمع‌شدگی می‌رسد. بیگ کرانچ دقیقاً عکس بیگ بنگ است: به جای اینکه کیهان از یک نقطه کوچک شروع به گسترش کند پس از گسترش، همه چیز دوباره به همان نقطه اولیه جمع می‌شود. (گودشتاین، ۱۹۹۷)

از سوی دیگر، در حوزه مطالعات مربوط به نظریه پایان جهان و ارتباط آن با آیات قرآن، آثاری همچون کتاب «قرآن و کیهان‌شناسی» نوشته سید عیسی مسترحمی (۱۳۸۷) به بررسی مفاهیم کیهان‌شناختی قرآن از جمله آغاز و پایان جهان پرداخته است. همچنین کتاب «آیات نجومی، قرآن و علم» اثر سعدالله نصیری قیداری (۱۳۹۱) به مطالعه تطبیقی آیات قرآن با یافته‌های علم نجوم معاصر می‌پردازد. علاوه بر این، مقاله «پیدایش فضا از نظر قرآن» نوشته عبدالمجید طالب‌تاش و جواد فروغی (۱۳۹۳) که در فصلنامه مطالعات قرآنی منتشر شده، به تحلیل مفاهیم قرآنی مرتبط با شکل‌گیری و تحول کیهان اختصاص دارد.

باوجود پژوهش‌های مذکور، وجه تمایز و چارچوب نظری پژوهش حاضر بر این استوار است که با بهره‌گیری از روش‌های معنانشناسی تاریخی، تحلیل محتوای تفسیری و تطبیق مفهومی با دستاوردهای کیهان‌شناسی مدرن، نشان دهد چگونه زبان قرآن (با ویژگی‌های استعاری، تمثیلی و چندلایه) قادر است حقایق فرازمانی را در قالب بیانی متناسب بافهم بشری عرضه کند. در این چارچوب، «سماوات» نه صرفاً به‌عنوان یک مفهوم فیزیکی، بلکه به‌مثابه ساختاری سلسله‌مراتبی از عوالم وجود-از ملک تا ملکوت-تحلیل می‌شود و «مطویات» به منزله فرآیند بازگشت و انسجام نهایی هستی تحت اراده الهی تفسیر می‌گردد. همچنین، با توجه به نظریه‌های علمی مانند «انقباض بزرگ»، تقاطعی معنادار بین مفاهیم قرآنی و مدل‌های کیهان‌شناختی معاصر شناسایی می‌شود، بدون آنکه دلالت‌های متافیزیکی آیات تقلیل داده شود یا به تفسیر علمی محض فروکاسته گردد. این چارچوب، در نهایت، بر ظرفیت قرآن برای ارائه تصویری جامع از جهان-که هم شامل ابعاد مادی است و هم معنوی-تأکید می‌ورزد و نقش آن را به‌عنوان منبعی برای تعامل سازنده بین دین و علم برجسته می‌سازد.

۳. روش شناسی

در این پژوهش برای تحلیل مفهوم «السماوات مطویات بیمینه»، از یک رویکرد میان‌رشته‌ای و چندمرحله‌ای استفاده شده است. این رویکرد با تلفیق دانش زبانی، تفسیری، معنایی و علمی، بستری جامع برای بررسی دقیق این عبارت قرآنی فراهم می‌آورد. ساختار این روش بر اساس مراحل مختلفی تنظیم شده که هر کدام ابعاد متفاوتی از این مفهوم را روشن می‌کند.

رویکرد این پژوهش، میان‌رشته‌ای دینامیکی است که در مقابل رویکرد مکانیکی (جمع‌آوری صرف داده‌ها از رشته‌های مختلف) قرار دارد. در این پارادایم، تعامل بین الهیات، فلسفه اسلامی، معنانشناسی تاریخی و کیهان‌شناسی به صورت دیالکتیکی و نظام‌مند صورت می‌پذیرد، به‌طوری که هر حوزه، پرسش‌ها و مفروضات حوزه دیگر را به چالش کشیده و غنا می‌بخشد. برای نمونه، مفهوم «بازگشت به مبدأ» در فلسفه صدرایی، به

عنوان چهارچوبی تفسیری برای درک مفهوم «انقباض بزرگ» به کار گرفته می‌شود و در مقابل، داده‌های کیهان‌شناختی، ابعاد جدیدی از عظمت آیه «مطویات» را آشکار می‌سازند.

۳-۱. تحلیل ریشه ای واژه ها

اولین مرحله از این پژوهش به بررسی ریشه لغوی واژگان «مطویات» و «السمآوات» می‌پردازد. ریشه واژه «السمآوات» از «سما» (س-م-و) گرفته شده است که در زبان عربی به معنای «بلندی، رفعت و برافراستگی» آمده است. (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۳، ص ۹۸) این ریشه در متون عربی پیش از اسلام و قرآن کریم برای اشاره به چیزهایی که بالاتر از سطح زمین قرار دارند، مانند آسمان فیزیکی، به کار رفته است. واژه «سما» همچنین دلالت‌های معنوی دارد و به نظر علامه طباطبایی، مقصود، آسمانی که می‌بینیم، نیست؛ بلکه عالم ملکوت است که افقی عالی‌تر از عالم ملک و محسوس دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۸۷)

در قرآن کریم، این واژه معمولاً به صورت جمع «السمآوات» به کار رفته که نشان‌دهنده گستردگی و چندگانگی آسمان‌ها است. از سویی دیگر، ریشه واژه «مطویات» از «طوی» (ط-و-ی) گرفته شده است که در زبان عربی به معنای «پیچیدن، جمع کردن و تا کردن» آمده است. (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۵۷) به صورتی که بعضی قسمت‌های زیر قسمت‌های دیگر قرار بگیرد. (ابن فارس، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۴۲۹)

در متون عربی، این واژه اغلب برای اشاره به پایان یک فرایند یا انسجام نهایی به کار می‌رود. در قرآن کریم، این ریشه در عباراتی مانند «یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب» (انبیاء: ۱۰۴) نیز مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده مفهوم جمع شدن آسمان‌ها به فرمان الهی است.

این واژگان از لحاظ معنایی و استفاده در متون قرآنی، تفاسیر و روایات نقش به سزایی را اعمال می‌کنند که تبیین نظام کیهانی یکی از این موارد است. واژه «السمآوات» در قرآن کریم نقشی محوری در توصیف نظم دقیق جهان هستی دارد. این واژه نه تنها به آسمان‌های قابل مشاهده اشاره دارد، بلکه ارتباطی معنوی و متافیزیکی میان انسان و خالق برقرار می‌کند. یکی دیگر از موارد مهم در کاربرد این واژه پیوند علم و ایمان است. مفاهیم مرتبط با «السمآوات» در تفاسیر علمی معاصر، مانند ارتباط آن با کهکشان‌ها و ساختار کیهان، نشان‌دهنده هماهنگی میان یافته‌های علمی و آموزه‌های قرآنی است.

برخی از عرفا از جمله ابن عربی مراد از هفت آسمان در قرآن را چنین بیان کرده است: «هفت آسمان، اشاره به عالم روحانیات دارد که اولین آن عالم ملکوت ارضیه است و قوای نفسانیه و جن و دومین آن عالم نفس است و سوم عالم قلب و چهارم عالم عقل و پنجم عالم سرّ و ششم عالم روح و هفتم عالم خفاء و امیر

المومنین (ع) به همین مطلب اشاره دارد، آنجا که می‌فرماید: من بر راه‌های آسمان آگاه‌تر از راه‌های زمین هستم.» (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۵)

موضوع اکثر آیات ترکیبی که لفظ سماء و صیغه جمع آن را در تعبیرات خود جای داده، وحدانیت و عظمت خداوند در آفرینش و آگاهی خالق هستی از غیب می‌باشد.

بعضی مفسران گویند: برای کافران عمل صالحی بالا نمی‌رود و گفته شده که بهشت در آسمان است، پس منظور این است که به کافران اذن عروج به آسمان داده نمی‌شود تا وارد بهشت گردند و یا گفته شده که ارواح کافران آنگاه که بمیرند، مانند ارواح مؤمنان بالا نمی‌روند و یا بر آنان برکت فرود نمی‌آید و یاری نمی‌شوند. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۲۰۶-۲۰۷)

کاربرد «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» و مشتقات آن در قرآن کریم

یکی از موضوعاتی که به شناخت دقیق‌تر آیات و کلمات قرآن کریم کمک می‌کند، بررسی آن در آیات نزدیک و همسو و مشابه است. آیات ذیل هر کدام از زاویه‌ای به شناخت بهتر آسمان و خالق یکتا و قدرتمند آن اشاره می‌کند.

ردیف	مستند قرآنی	مفهوم
۱	هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ (حدید/۴)	اشاره به خالقیت و قدرت خداوند عزوجل
۲	هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (بقره/۲۹)	به مراتب یا لایه‌های هفت‌گانه آسمان اشاره دارد و اغلب در آیاتی ذکر می‌شود که به ساختار کیهانی یا عظمت خداوند در خلق نظام هستی پرداخته‌اند.
۳	قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (انعام/۱۴)	اشاره به امر خلقت به واسطه شکافتن
۴	وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (زمر/۶۷)	تصویری باشکوه از قدرت خداوند در احاطه بر کل هستی ارائه می‌دهد. این آیه نه تنها به پایان آفرینش و جمع شدن آسمان‌ها اشاره دارد، بلکه نظام سلسله‌مراتبی و بازگشت نهایی تمام موجودات به سوی خالق را نشان می‌دهد.
۵	يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (انبیا/۱۰۴)	این ترکیب بیانگر یک مقطع زمانی خاص است که در آن جهان به پایان خود می‌رسد و آسمان‌ها مانند طوماری پیچیده می‌شوند. این کاربرد به جنبه‌های تصویری و فیزیکی بازگشت جهان به حالت اولیه تأکید دارد و معمولاً در آیاتی ظاهر می‌شود که به رخدادهای قیامتی اشاره می‌کنند.

۲-۳. تحلیل هم سویی واژگان و ارتباط آیه با آیات قبل و بعد

واژه «السَّمَاوَاتُ» به دلیل حالت جمع آن، مفهوم گستردگی و تنوع آسمان‌ها را نشان می‌دهد. این واژه در قرآن کریم به طور مکرر در ترکیباتی مانند «السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»، «فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ» و «السَّبْعِ السَّمَاوَاتِ» به کاررفته است که هر یک از این ترکیبات دلالت معنایی خاصی دارند. برای مثال ترکیب «السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» بر هماهنگی میان آسمان‌ها و زمین و تسلط الهی بر کل جهان اشاره دارد.

مفهوم «السَّمَاوَاتُ» از منظر لغوی در قرآن به دو معنا به کاررفته است: (۱) آسمان‌های فیزیکی شامل لایه‌های جوی و کهکشان‌ها که به نظر علامه: خدا آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید تا طبقاتی از موجودات جسمانی باشد که بر بالای زمین قرار دارد. به طوری که اهل لغت گفته‌اند کلمه «سما» به معنای هر چیزی است که بر بالای سر ما قرار گرفته باشد، و معلوم است که بالا و پایین دو امر نسبی هستند پس «السموات» عبارت‌اند از طبقاتی از خلق جسمانی و مشهود که بر بالای کره زمین واقع شده و بر آن احاطه دارند، اما نسبت به بالای آسمان دنیا در کلام خدای تعالی چیزی که از وضع آن خبر دهد نیامده است. آیه شریفه «سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا» (ملک/۳) تأکید می‌فرماید که آسمان‌ها هفت طبقه روی هم است، و آیه شریفه «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا» (نوح/۱۵) نیز به همین نکته اشاره دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۲۳)

(۲) عوالم متافیزیکی و معنوی که درک آن‌ها برای انسان محدود است. این گستردگی معنایی نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری زبان قرآن در ارائه مفاهیم عمیق الهیاتی است که در این زمینه می‌توان به آیات زیر اشاره نمود. «أَمْ أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ» (ملک/۱۷) «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ» (اعراف/۴۰)

از سویی دیگر، واژه «مطویات» در قرآن به معنای جمع کردن و نظم‌بخشی به کاررفته است. این واژه معمولاً در زمینه قیامت و پایان جهان استفاده می‌شود، جایی که آسمان‌ها به صورت نمادین یا واقعی جمع می‌شوند. در این زمینه، «مطویات» نشان‌دهنده فرایندی است که طی آن نظام کیهانی به اراده الهی تغییر می‌کند و به مبدأ خود بازمی‌گردد.

در این مرحله، روابط معنایی واژگان «مطویات» و «السمآوات» در متن قرآن تحلیل شده است. این تحلیل شامل بررسی روابط همنشینی واژگان و کاربردهای معنایی آنها مبتنی بر ترکیبات قرآنی در آیات مرتبط با تمرکز بر قرائن مفهومی در بستر بررسی‌های سیاقی است. واژه «السمآوات» در قرآن کریم به‌طور مکرر در ترکیب با دیگر مفاهیم کلیدی به‌کاررفته است که هر یک از این ترکیبات معنا و زمینه خاصی را برجسته می‌کنند. یکی از رایج‌ترین همنشینی‌های این واژه، «السمآواتُ وَالْأَرْضُ» است که بیش از صد بار در قرآن آمده و بیانگر پیوند میان آسمان‌ها و زمین در نظام کیهانی الهی است. این ترکیب معمولاً به هماهنگی و انسجام میان این دو بخش از جهان هستی اشاره دارد و اغلب در آیاتی استفاده شده است که به خالقیت و قدرت خداوند تأکید دارند، مانند آیه ۴ سوره حدید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ».

یکی دیگر از ترکیبات مهم، «فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ» است که دلالت بر خالقیت و ابتکار خداوند در آفرینش آسمان‌ها دارد. این ترکیب به‌ویژه در آیاتی که بر یکتایی خداوند تأکید می‌شود، مانند آیه ۱ سوره فاطر، برجسته شده است. ترکیب دیگری که معنا و مرتبت آسمان‌ها را روشن می‌کند، «السَّيِّعَ السَّمَاوَاتِ» است. این ترکیب که در آیات متعددی از جمله آیه ۲۹ سوره بقره به‌کاررفته، به مراتب یا لایه‌های هفت‌گانه آسمان اشاره دارد و اغلب در آیاتی ذکر می‌شود که به ساختار کیهانی یا عظمت خداوند در خلق نظام هستی پرداخته‌اند.

همچنین، واژه «السمآواتُ» گاهی در ترکیب با صفات الهی مانند «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» آمده است. این ترکیب نشان‌دهنده مالکیت مطلق خداوند بر آسمان‌ها و زمین است و بر ارتباط عمیق میان خالق و مخلوق تأکید دارد. در آیه ۳ سوره سجده، این ترکیب بیانگر سلطه الهی و نظام‌مند بودن خلقت است. افزون بر این، ترکیباتی مانند «زِينَةُ السَّمَاوَاتِ» (صافات/۶) که به زینت آسمان‌ها با ستارگان اشاره دارد، نشان‌دهنده زیبایی و نظم الهی در خلق آسمان‌ها است.

واژه «مطویات» به دلیل ماهیت معنایی خاص خود، معمولاً در زمینه‌هایی به‌کار می‌رود که به قیامت، بازگشت به‌سوی خداوند و پایان نظام کیهانی اشاره دارند. یکی از بارزترین همنشینی‌های این واژه، «بیمینه» است که به اراده مطلق الهی در جمع‌کردن آسمان‌ها دلالت دارد. این ترکیب در آیه «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» (زمر/۶۷) به‌کاررفته و تصویر روشنی از تسلط خداوند بر جهان ارائه می‌دهد. این همنشینی تأکید می‌کند که تمامی تغییرات و تحولات کیهانی تنها به فرمان الهی صورت می‌گیرد و قدرت بی‌پایان خداوند را به نمایش می‌گذارد. واژه «مطویات» همچنین در آیات دیگری که به فرایند پایان جهان اشاره دارند، مانند «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ» (انبیا/۱۰۴)، در ترکیب با «يَوْمَ» (روز) استفاده شده است. این ترکیب بیانگر یک مقطع زمانی خاص است که در آن

جهان به پایان خود می‌رسد و آسمان‌ها مانند طوماری پیچیده می‌شوند. این کاربرد به جنبه‌های تصویری و فیزیکی بازگشت جهان به حالت اولیه تأکید دارد و معمولاً در آیاتی ظاهر می‌شود که به رخداد‌های قیامتی اشاره می‌کنند.

از دیگر همنشینی‌های قابل توجه «مطویات»، ترکیب آن با «السَّمَاوَاتُ» است، همان‌گونه که در آیه «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» مشاهده می‌شود. این ترکیب نشان‌دهنده فرآیندی است که در آن تمامی آسمان‌ها به یک نقطه متمرکز و بازگشت می‌کنند، و بیانگر مفهوم انسجام نهایی نظام کیهانی است. این کاربرد نه تنها به پایان فیزیکی جهان اشاره دارد، بلکه در تفاسیر عرفانی، به اتحاد معنوی و بازگشت همه چیز به مبدأ الهی تعبیر شده است. این همنشینی‌ها، چه از منظر لغوی و چه از دیدگاه تفسیری، نشان‌دهنده غنای معنایی واژه‌های «السَّمَاوَاتُ» و «مطویات» است، به این صورت که این دو واژه در کنار هم معنای گسترده‌تر، عمیق‌تر و غنی‌تری نسبت به معنای جداگانه آنها ایجاد می‌کنند و اهمیت آن‌ها در تبیین مفاهیم عمیق قرآنی است.

از سوی دیگر، آیه «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» با آیات دیگر قرآن اولاً در زمینه قدرت و تسلط خداوند، ثانیاً نظم و آفرینش کائنات و ثالثاً نقش خداوند در روز قیامت ارتباط جانشینی و قرابت معنایی دارد. به این معنا که این آیات از نظر معنایی آن‌قدر به هم نزدیک هستند که می‌توانند به جای هم قرار گیرند و همچنان پیام اصلی آیه را منتقل کنند زیرا هر کدام اشاراتی قوی دارند بر وجود خالقی مقتدر و حکیم که کاری عبث و بیهوده نمی‌کند و نیز خلل و ایرادی در سلطنت، جمال و جلال الهی او متصور نیست. این روابط که در بستر تحلیل قرائن مفهومی و سیاق محتوایی قابل ارائه است؛ به درک عمیق‌تر از عظمت و قدرت الهی کمک می‌کند و مفهوم آفرینش و نظم را نیز تقویت می‌نماید.

الف) قدرت الهی: برای بررسی روابط جانشینی آیه «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» (زمر/۶۷) با دیگر آیات قرآن، می‌توان به شباهت‌های معنایی و مفهومی آن با دیگر آیات قرآن اشاره کرد. آیه مذکور به قدرت خداوند بر آسمان‌ها اشاره دارد و نشان می‌دهد که تمام آسمان‌ها در تسلط او هستند. این مفهوم در آیات دیگر قرآن با شواهد متعددی نمایش داده شده است:

سوره آل عمران (آیه ۱۸۹): «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» در این آیه نیز به مالکیت و قدرت خدا بر آسمان‌ها و زمین اشاره شده است.

سوره بقره (آیه ۲۵۵): «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ». این آیه تسلط خدا بر تمام کائنات را به تصویر می‌کشد.

ب) **نظم و انضباط آفرینش آسمان‌ها:** آیه «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» به معنای نظم و انضباط در آفرینش آسمان‌ها و اشاره دارد که کرات آسمانی در مدار معینی حرکت می‌کنند. قرآن، نظم حاکم بر جهان آفرینش را تشریح کرده و به انسان‌ها سفارش می‌کند که درباره آن بیندیشند تا به طراح زبردست آن پی ببرند و در این راستا، گاه از فرود آمدن باران و رویش گیاهان یاد می‌کند و گاهی از عظمت آسمان، کوه‌ها و دریاها سخن می‌گوید. زمانی شگفتی‌های آفرینش موجودات و از جمله انسان را تذکر می‌دهد و در بسیاری از مواقع نیز آمد و شد شب و روز، فراوانی پدیده‌های هستی و بی‌شماری نعمت‌های الهی را در لا به لای آیات بیان می‌کند و انسان را به تفکر در نظم شگفت‌آور آن وامی‌دارد. به عنوان نمونه می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران/ ۱۹۰) همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد و شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان است.

همچنین مفهوم نظم در سوره‌های دیگر نیز دیده می‌شود که قابل بررسی است:

سوره فاطر (آیه ۴۱): «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا»، در این آیه نیز نظم و توانایی خداوند در نگهداری کائنات بیان شده است و به قانون گرانش جهانی و تعادل نیروها در کیهان اشاره دارد. نیروی گرانش که توسط نیوتن و اینشتین توصیف شد، همان عاملی است که اجرام آسمانی را در مدارهای خود نگه می‌دارد و از فروپاشی یا گسیختگی ساختار کیهان جلوگیری می‌کند. (هاوکنگ، ۱۹۸۸، ص ۳۳) این «نگهداری» دقیقاً مطابق با مفهوم «یمسک» است که نشان‌دهنده حفظ تعادل دینامیکی در سامانه‌های ستاره‌ای، کهکشانی و حتی در مقیاس کیهان است.

سوره ق (آیه ۶): «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ». این آیه به ساختار یکپارچه و بدون شکاف (فاقد فُرُوج) آسمان اشاره دارد که با مفهوم «سطح فیزیکی پیوسته» در کیهان‌شناسی همخوانی دارد. از نظر علمی، این می‌تواند به «تخت بودن فضا زمان» در مقیاس کیهانی (طبق مدل استاندارد کیهان‌شناسی) یا به ساختار لایه‌ای جو زمین اشاره کند که همچون سقفی محافظ عمل می‌کند. (پیکاک، ۱۹۹۹، ص ۶) همچنین «تزیین آسمان» به وجود ستارگان، کهکشان‌ها و پدیده‌های نجومی مانند سحابی‌ها اشاره دارد که زیبایی و نظم کیهانی را نشان می‌دهند.

ج) **نقش خداوند در روز قیامت:** آیه «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» همچنین می‌تواند به صحنه قیامت و قدرت خداوند در آن روز اشاره داشته باشد.

سوره سجده (آیه ۷): که سجده واجب نیز هست می‌گوید: «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ». این آیه به تسلیم در برابر حق و عظمت خداوند، به‌ویژه در روز قیامت اشاره دارد.

۴. بررسی اقوال لغویون و دیدگاه‌های مفسران در معناشناسی واژه «وَالسَّمَاوَاتِ مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ»

قرآن کریم اغلب از زبان استعاری برای بیان مفاهیم عمیق استفاده می‌کند، و این امر در آیه «وَالسَّمَاوَاتِ مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ» نیز به چشم می‌خورد. زبان استعاری این آیه نه تنها به جمع شدن فیزیکی آسمان‌ها اشاره دارد، بلکه در تفاسیر عرفانی نیز به بازگشت کثرت به وحدت و اتحاد جهان با مبدأ الهی تعبیر شده است.

دیدگاه اول: تجلی جلال و عظمت الهی

طبرسی در جوامع الجامع واژه «وَالسَّمَاوَاتِ مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ» را این‌گونه تبیین می‌کند که آیه تنها به منظور مجسم کردن و نمایاندن جلال و شکوه و عظمت مقام خداوند است نه چیز دیگر و واژه «مَطْوِيَّاتٍ» از ماده: طی به معنای در هم پیچیدن است که ضد نشر و پراکندن است همچنان که خداوند در این آیه فرموده است: «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (انبیاء/ ۱۰۴) آیه به منظره‌ای از مناظر قیامت و زوال حیات دنیایی اشاره دارد و می‌گوید: روزی فرا می‌رسد که آسمان را در هم می‌پیچیم، همان‌گونه که طومار نامه‌ها، نوشته‌های فراوان درون خود را درهم می‌پیچد. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۳۹۷)

راغب اصفهانی درباره لفظ سَجَلَ می‌گوید: «گفته شده سَجَلَ سنگی است که در قدیم بر آن می‌نوشتند، پس به هرچیزی که بتوان روی آن نوشت سَجَلَ گفته میشود.» خداوند متعال فرموده: «كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ» یعنی مثل پیچیدن آنچه که در آن چیزی نوشته شده باشد تا محفوظ بماند. (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۳۹۸). باید توجه داشت که مقصود اصلی تشبیه در این آیه، فقط بیان وضعیت روز قیامت نیست؛ بلکه هدف اصلی تبیین عظمت و قدرت خالق است زیرا برچیدن بساط آسمان با آن عظمت را بسان بستن طوماری برشمرده است. مفسری دیگر این واژه را از دو منظر بررسی می‌کند: فیزیکی و استعاری. او معتقد است که «السَّمَاوَاتِ» نه تنها به لایه‌های آسمان فیزیکی، بلکه به عوالم معنوی و ماورائی نیز دلالت دارد و این مفهوم را در بستر بلاغت قرآنی قرار داده و آن را نمادی از تعالی و عظمت خداوند می‌داند که فراتر از محدودیت‌های بشری است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۴۲). در همین زمینه می‌توان به فرمایش امام صادق علیه السلام اشاره نمود که می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُوصَفُ وَكَيْفَ يُوصَفُ وَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ فَلَا يُوصَفُ بِقَدَرٍ إِلَّا

كَانَ أَعْظَمَ مِنْ ذَلِكَ؛ ذات خداوند متعال قابل توصیف نیست و چگونه به وصف آید با آنکه خود در قرآنش گوید: وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ذات خدا با هیچ حد و تعریفی مقایسه نمی‌شود مگر آنکه خدا والاتر و بزرگتر از آن است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۳)

دیدگاه دوم: دلالت بر مراتب معنوی و روحانی هستی

علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» به جنبه‌های فلسفی و متافیزیکی واژه «السَّمَاوَاتُ» توجه می‌کند. او معتقد است که این واژه علاوه بر اشاره به لایه‌های فیزیکی، دلالت بر مراتب معنوی و روحانی هستی دارد. این مراتب معمولاً به «سماوات» و «ارض» تقسیم‌بندی می‌شوند.

علامه ذیل آیه ی ۵ سوره ی سجده به تناسب معنای سماء با این مفهوم اشاره دارند؛ «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ» (خداوند) امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمیرید بسوی او بالا می‌رود (و دنیا پایان می‌یابد). (سجده/۵) جمله (ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ) اشعار است به اینکه مراد از سماء مقام قربی است که زمام همه امور بدانجا منتهی می‌شود، نه آسمان که به معنای جهت بالا و یا ناحیه‌ای از نواحی عالم جسمانی است، برای اینکه قبلاً فرمود: تدبیر امر می‌کند از آسمان تا زمین آن گاه فرمود: سپس به سوی او عروج می‌کند، پس معلوم می‌شود عروج به سوی او از همان طریقی است که از آن نازل شده، و در آیه غیر از علوی که به تعبیر سماء آمده و پایینی که از آن به ارض تعبیر کرده، و نزول و عروج چیز دیگری نیامده پس قهراً نزول از سماء و عروج به سوی خدا را می‌فهماند که مراد از سماء، مقام حضور است، که تدبیر امر از آن مقام صادر می‌شود. (طباطبائی، ۱۴۱۲، ج ۳۷۰، ص ۱۶-۳۷۱)

در احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز واژه «السَّمَاوَاتُ» به طور مکرر به کار رفته و معمولاً به عوالم معنوی و مراتب بالای هستی اشاره دارد. مانند حدیثی از حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه که می‌فرماید: «ثُمَّ فَتَقَّ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ الْعُلَا فَمَلَأْنَهُنَّ أَطْوَاراً مِنْ مَلَائِكَةٍ؛ یعنی سپس خداوند سبحان، آسمان‌های برافراشته را از هم گشود و میان آن‌ها را از اقسام فرشتگان پر کرد.» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۳۴)

همچنین حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید: «ما السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ فِي الْكُرْسِيِّ إِلَّا كَحَلْقَةٍ مُلْقَاةٍ فِي أَرْضٍ فَلَاةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۵۴). این احادیث نشان می‌دهد که آسمان‌های هفت‌گانه در برابر عرش الهی ناچیز هستند، و عظمت الهی فراتر از هر توصیفی است. این بیان نمادی از قدرت و تسلط خداوند بر کل جهان هستی است.

دیدگاه سوم: تاکید بر پایان نظام کیهانی و آغاز روز قیامت

برخی معتقدند این عبارت قرآنی به نوعی تحول و دگرگونی‌های عظیم اشاره دارد که در روز قیامت و پایان دنیا رخ می‌دهد. مفسران مختلفی این آیات را به پایان جهان و آغاز روز قیامت تفسیر کرده‌اند از جمله: طبرسی در مجمع البیان آیه را اینگونه تفسیر می‌کند: «و ارج نگذارند بر خدا حق ارجش، و زمین، همه آن در قبضه اوست در روز قیامت، و آسمانها پیچیده دست قدرت اوست، منزّه و برتر است از آنچه شرک می‌ورزند. و دمیده شد در صور پس بی هوش افتاد آن که در آسمانها و آن که در زمین است مگر آن که را خدا خواست، سپس دوباره دمیده شد، پس ناگاه ایشانند ایستادگان نگران. و درخشید زمین به نور پروردگارش و اگذارده شد کتاب و آورده شدند پیامبران و گواهان، و داوری شد میان ایشان به حق و آنان ستم نشوند. و پرداخت شد به هر کسی آن چه انجام داد و او دانایتر است به آن چه انجام می‌دهند.» (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۲۱، ص ۲۱۰)

دیدگاه دیگر ذیل آیه بیان می‌کند: آنان آن‌گونه که شایسته است خدا را نشناخته‌اند (این است که تو را به شرک می‌خوانند. خدا آن کسی است که) در روز قیامت سراسر کره زمین یکباره در مشّت او قرار دارد و آسمانها با دست راست او درهم پیچیده می‌شود. خدا پاک و منزّه از شرک آنان (و دور دور از انبازهای ایشان و فراتر از اندیشه انسان) است. (خرم دل، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۸۵)

کسی که طوماری را درهم پیچیده و در دست راست گرفته کامل ترین تسلط را بر آن دارد، مخصوصاً انتخاب «یمین» (دست راست) به خاطر آن است که غالب اشخاص کارهای مهم را با دست راست انجام می‌دهند و قوت و قدرت بیشتری در آن احساس می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۳۰)

در فلسفه اسلامی و عرفان، عبارت «والسماوات مطویات بیمینه» به معنای بازگشت کل نظام هستی به مبدأ وجود تفسیر شده است. ملاصدرا در حکمت متعالیه، این بازگشت را یک فرایند ذاتی برای همه موجودات می‌داند که از طریق آن، جهان به وحدت با خداوند می‌رسد (صدر الدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۱۲). او بر این باور است که این نظام جهان‌شمول در هر لحظه به سوی تکامل و بازگشت به مبدأ خود حرکت می‌کند. در عرفان اسلامی نیز این آیه اهمیت ویژه‌ای دارد. ابن عربی، عارف بزرگ اسلامی، در «فتوحات مکیه» به تحلیل این مفهوم پرداخته و آن را نشانه‌ای از اتحاد کثرت جهان با وحدت الهی دانسته است. به زعم او، واژه «مطویات» در این آیه نمادی از فروپاشی محدودیت‌های زمانی و مکانی و بازگشت همه موجودات به وحدت وجود است. (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۲۳۵) این نگاه عرفانی، نه تنها به بازگشت فیزیکی جهان اشاره دارد، بلکه بُعد معنوی عمیقی به مفهوم قیامت می‌بخشد. ذاتی که عظمت و شأن او چنان باشد که در روز قیامت

تمام زمین در یک مشت وی، و جمیع آسمانها مانند کاغذ پیچانده شده در یک دست او قرار گیرد؛ چگونه سزاوار باشد که در عبادت وی مخلوق بی جان یا عاجز و محتاج را شریک گردانند؟! باید دانست که خود آن شرکاء نیز در دست او مقید و محصورند. (دیوبندی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۴۲۸)

دیدگاه چهارم: نماد تسلط و قدرت مطلق خداوندی

طبری در «جامع البیان»، واژه «السَّمَاوَاتُ» را به معنای لایه‌های بالایی جو و آسمان‌های فیزیکی می‌داند. او این واژه را به عنوان نشانه‌ای از نظم کیهانی و قدرت الهی در خلق آسمانها تفسیر می‌کند و تأکید دارد که «السَّمَاوَاتُ» تنها به معنای فضای فیزیکی نیست، بلکه می‌تواند به عوالمی اشاره کند که برای انسان قابل رؤیت نیستند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۵۷۸)

همچنین طبرسی در تبیین واژگان می‌فرماید: (و آسمانها پیچیده دست او هستند) یعنی می‌گرداند با قدرت خود هم چنان که ما چیزی را که توانایی داریم با دست خود می‌گردانیم، به کار بردن «یمین - دست» برای مبالغه در قدرت و ثابت کردن بیشتر مالکیت است، چنان که خداوند می‌فرماید: (أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ) «آن چه مالک شد دستهایتان» یعنی آن چه در تحت قدرت شماسست، زیرا ملک چیزی نیست که بدون یسار و اعضاء دیگر بدن به (یمین) اختصاص داشته باشد. و برخی گفته‌اند: معنی چنین است که آسمانها محفوظ و مصون به قوت خداوند است و (یمین) را به معنی (قوت) گرفته‌اند چنان که شاعر می‌گوید: اذا ما رایه رفعت لمجد تلقاها عرابه بالیمین «زمانی که پرچمی نباشد که برای عظمت افراشته گردد - آن را «عرابه» به دست (یمین) خود قرار گیرد». (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۲۱۲)

همچنین زمخشری در تحلیل واژه «مطویات» بر بلاغت و استعاره تأکید دارد. او این واژه را نمادی از قدرت مطلق خداوند متعال می‌داند که توانایی دارد آسمانها را مانند طومار جمع کند. به عقیده زمخشری، این تصویر نمادین فراتر از معنای فیزیکی است و نشان‌دهنده تسلط کامل خداوند بر زمان و مکان است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۴۲)

سلیمان بن مهران گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد کلام خداوند عزوجل: «وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» سؤال کردم. فرمودند: «یعنی پادشاهی و مملکت او که هیچ کس در آن با او شریک نیست»... عرض کردم پس اینکه فرموده: «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» یعنی چه؟ فرمودند: «یمین، کنایه از دست است و دست، کنایه از قدرت و قوت و توانایی است. خدای عزوجل می‌فرماید که «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ» یعنی به واسطه قدرت و توانایی او، آسمانها پیچیده می‌شوند. خداوند منزّه و برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند. (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۴، ص ۱۶۱؛ بحرانی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۷۲۷)

«قبضه» به معنی چیزی است که در مشت می‌گیرند، و معمولاً کنایه از قدرت مطلقه و سلطه کامل بر چیزی است، همانگونه که در تعبیرات روزمره می‌گوئیم فلان شهر در دست من است و یا فلان ملک در قبضه و مشت من می‌باشد. این تعبیر در مورد آسمان‌ها یعنی کامل‌ترین تسلط را بر آن دارد، مخصوصاً انتخاب "یمین" (دست راست) به خاطر آن است که غالب اشخاص کارهای مهم را با دست راست انجام می‌دهند و قوت و قدرت بیشتری در آن احساس می‌کنند.

کوتاه سخن این که: همه این تشبیهات و تعبیرات کنایه از سلطه مطلقه پروردگار بر عالم هستی در جهان دیگر است، تا همگان بدانند در عالم قیامت نیز کلید نجات و حل مشکلات در کف قدرت خداوند است، تا به بهانه شفاعت و مانند آن به سراغ بت‌ها و معبودهای دیگر نروند. البته در آن روز قدرت خداوند از هر زمان آشکارتر است، و به مرحله ظهور و بروز نهایی می‌رسد، همگی به روشنی درمی‌یابند که همه چیز از آن او و در اختیار او است. البته این تعبیرات همگی جنبه کنایی دارد و به خاطر کوتاهی الفاظ، ناچاریم آن معانی بلند را در قالب این الفاظ کوچک بریزیم و جای این نیست که کسی از اینها احتمال تجسم پروردگار بدهد مگر اینکه بسیار ساده‌لوح و کوتاه‌بین و کوتاه‌فکر باشد لذا آخر آیه در یک نتیجه‌گیری گویا می‌فرماید: «منزه و پاک، و بلند مقام است از شریک‌هایی که برای او درست می‌کنند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۳۰)

برخی نیز بر این قول هستند که این تمثیل است برای اظهار قدرت باهره سبحانی و تنبیه بر آن که افعال عظامی که افهام در آن حیران و اوهام به رسیدن آن سرگردانند، نسبت به قدرت کامله الهی در غایت سهولت و کمال آسانی است بر وجهی که همه زمین‌ها باوجود عظم و ثخن آن نسبت به قدرت او مانند چیزی است که قابضی به کف خود قبض کند و همه آسمان‌ها نسبت به اقتدار او مثل آن چیزی است که شخصی آن را به دست خود گرفته و درهم پیچد. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۱، ص ۲۶۷)

عبد الله عمر روایت نموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: حق سبحانه روز قیامت آسمانها را برهم پیچد به ید قدرت خود و فرماید: «انا الملك، این الجبارون؟ این المتکبرون؟» «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ: منزه است ذات سبحانی و متعالی است از آنچه شرک می‌آورند به او و آن را شریک او می‌سازند. (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۸، ص ۱۱۷)

دیدگاه پنجم: دیدگاه انقباض بزرگ در دانش معاصر

یکی دیگر از یافته‌های مهم علمی که می‌توان آن را با آیه شریفه تطبیق داد، مفهوم خمیدگی فضا-زمان در نظریه نسبیت عام انیشتین است. بر اساس این نظریه، فضا و زمان می‌توانند تحت تأثیر نیروی گرانش تغییر شکل دهند. این تغییر شکل می‌تواند در شرایط خاصی به حالت «جمع‌شدن» یا انقباض فضا منجر شود. این

دیدگاه علمی با تصویر قرآنی جمع شدن آسمان‌ها ارتباطی معنادار دارد و نشان می‌دهد که زبان استعاری قرآن می‌تواند با مفاهیم علمی پیشرفته تطابق یابد.

عبارت قرآنی مذکور، تصویری با شکوه از قدرت الهی در خاتمه نظام کیهانی ارائه می‌دهد. با پیشرفت دانش معاصر، به ویژه در حوزه کیهان‌شناسی و علوم هوافضا، امکان تحلیل این مفهوم قرآنی در چارچوب دیدگاه‌های علمی نظیر انقباض بزرگ^۱ و ساختار کیهان فراهم شده است.

فرضیه «انقباض بزرگ» یکی از مدل‌های مطرح در کیهان‌شناسی است که پایان جهان را به صورت جمع شدن تمام اجرام کیهانی به سوی یک نقطه به نام تکینگی توضیح می‌دهد. طبق این نگاه جهان در حال انبساط است اما اگر جهان به اندازه کافی چگالی نداشته باشد و کمتر از چگالی بحرانی باشد همیشه در حال انبساط خواهند ماند؛ اما هرچه جرم جهان متراکم تر باشد به همان اندازه چگالی آن زیاد تر شده و انبساط آن کند تر می شود یعنی به خاطر قدرت نیروی جاذبه بین قسمت‌های تشکیل دهنده اش منقبض می شود و جهان بسته می ماند. (موریسون، ۱۳۹۷، ص ۳۵۴) این واقعیت که گرانش همواره جمع کننده است موید این مطلب است که جهان هستی باید یا در حال گسترش باشد و یا در حال انقباض. براساس نسبیت عام، باید چگالی جهان بی نهایت بوده باشد و انفجار بزرگ، آغاز مؤثر زمان به شمار می رود. به طور مشابه اگر همه عالم باز دچار فروپاشی شود در آینده چگالی جهان دوباره بی نهایت خواهد شد که پایان زمان به شمار می رود حتی اگر تمام جهان فرو نپاشد در مناطق خاصی از آن تکینگی‌هایی به وجود می آید که به تشکیل سیاهچاله‌ها می انجامد لذا این تکینگی‌ها برای هر کس که درون سیاهچاله‌ها بیافتد پایان جهان محسوب می گردد. (هاوکنگ، ۱۳۸۴، ص ۲۱۴)

توصیف این پدیده شباهت عمیقی به بیان قرآنی مذکور دارد که در آن «مطویات» به معنای جمع شدن یا پیچیده شدن آسمان‌ها به اراده خداوند است چراکه هر دو ناظر به فرآیند بازگشت کیهانی هستند و در هر دو نگاه، به پایان‌پذیری هستی و بازگشت آن به نقطه‌ی آغاز اذعان می‌شود.

برخلاف تصور متافیزیکی از بی‌انتهای بودن زمان و فضا، هم علم فیزیک معاصر و هم آیه شریفه، برای هستی پایانی قائل‌اند که در آن، نظم عالم به مشیت الهی جمع می‌شود. تعبیر «مطویات» دلالت بر فشردگی و بازگشت دارد که مفهومی هم‌راستا با این فرضیه و به مثابه تجلی (امر الله) در ساحت طبیعی (کما بدأنا اول خلق نعیده) است.

^۱. Big Crunch

این شباهت، هماهنگی میان مفاهیم قرآنی و یافته‌های علمی را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که قرآن با زبانی استعاری به پدیده‌هایی اشاره دارد که در آینده از طریق دانش بشری کشف شده‌اند. قرآن کریم این فرایند را به‌عنوان امری تحت فرمان و اراده الهی معرفی می‌کند، در حالی که علم آن را با استفاده از مجرای دانش تجربی و قوانین طبیعی توضیح می‌دهد.

عنصر آیه	مفهوم قرآنی	فرضیه انقباض بزرگ	نقطه اشتراک
مطویات	پیچیده شدن آسمان‌ها	فروپاشی فضا زمان در نقطه تکینگی	بازگشت به مبدا اولیه (یوم نطوی السماء)
بیمینه	اراده فعال خداوند	قوانین فیزیکی حاکم (نسبیت عام)	نظام مندی حاکم بر تحول کیهان
یوم القیامه	روز قیامت	فروپاشی مفاهیم زمان فیزیکی	پایان نظم کنونی

۵. نتیجه گیری

عبارت قرآنی «والسماوات مطویات بیمینه» به‌عنوان یکی از مفاهیم ژرف و چندلایه قرآن کریم، تصویری از قدرت مطلق الهی در تسلط بر نظام کیهانی ارائه می‌دهد و پیوند میان مبدأ و معاد را ترسیم می‌کند. این پژوهش با رویکردی میان‌رشته‌ای، ابعاد مختلف این عبارت را از منظرهای لغوی، تفسیری، فلسفی، عرفانی و علمی مورد تحلیل قرار داد.

این عبارت شریفه در تفاسیر کلاسیک و معاصر با دو رویکرد اصلی تحلیل شده است: معنای فیزیکی و معنای استعاری. از منظر فیزیکی، مفسرانی چون طبری و زمخشری بر جنبه‌های قابل مشاهده آسمان‌ها و نظام کیهانی تأکید کرده‌اند. طبری در «جامع البیان» مفهوم «مطویات» را به معنای جمع شدن آسمان‌ها در روز قیامت می‌داند، جایی که جهان به پایان می‌رسد و تمام اجزای کیهانی به اراده الهی از هم فرو می‌پاشند. در مقابل، زمخشری در «الکشاف» این عبارت را به‌عنوان نمادی از قدرت خداوند در کنترل جهان تفسیر کرده و بر ابعاد فراتر از مشاهدات انسانی تأکید می‌کند. از منظر معنوی و استعاری، علامه طباطبایی در «المیزان» به ابعاد عمیق‌تر این آیه پرداخته و آن را نشان‌دهنده انسجام نهایی هستی و بازگشت تمامی موجودات به سوی خداوند تفسیر کرده است. او بر این باور است که «مطویات» نه تنها توصیف‌کننده پایان فیزیکی جهان، بلکه نمادی از بازگشت همه چیز به مبدأ الهی است که در فلسفه اسلامی با مفهوم «قوس صعود» شناخته می‌شود.

با توجه به آیه شریفه و بررسی آیات متشابه می‌توان دریافت که به اذن خداوند برپایی قیامت با آفرینش دوباره جهان که وعده قطعی خداوند است همراه می‌باشد و زندگی انسان با مرگ از بین نمی‌رود بلکه حیات او در قیامت ادامه پیدا می‌کند. از طرفی حوادثی که باعث پیدایش قیامت می‌گردد با آغاز خلقت تشابه دارد و خداوند با جمع کردن آسمان‌ها و زمین دوباره آن را بر می‌گرداند همانطور که در ابتدا آفریده است. یافته‌ها و نتایج علمی در این پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه انقباض جهان با آیه ۶۷ سوره زمر که به در هم پیچیده شدن جهان و برگشت جهان به حالت اولیه اشاره می‌کند تطابق دارد و پس از اثبات این دیدگاه می‌توان آن را به عنوان مدلی در تفسیر علمی این آیه دانست.

یافته‌ها حاکی از آن است که مفهوم قرآنی «مطویات» را می‌توان در چارچوب مدل «انقباض بزرگ» به عنوان یکی از سناریوهای ممکن برای پایان کیهان تحلیل کرد. بر اساس نظریه نسبیت عام اینشتین، در شرایط خاص فیزیکی، انبساط کیهان متوقف و فرآیند معکوس (انقباض) آغاز خواهد شد که در نهایت به «تجرد فیزیکی» منجر می‌گردد. این فرآیند، قابل قیاس با تصویر قرآن از «طی السماوات» است. قرآن کریم با عبارت «بِیَمِینِهِ»، این فرآیند را به اراده الهی منتسب می‌کند، در حالی که علم از آن به عنوان پیامد قوانین فیزیکی یاد می‌کند. مبتنی بر این دیدگاه، تعامل سازنده مذکور حاصل می‌شود بدین نحو که علم «چگونگی» را توصیف می‌کند و دین «چرایی» و «غایت» آن را تبیین می‌نماید.

منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه. ترجمه دشتی، محمد. (۱۳۷۹). تهران: بضعه الرسول.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲ش). الخصال. تهران: فراهانی.
 ۲. ابن عربی، تفسیر ابن عربی. (۱۴۲۲). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۳. ابن فارس، احمد. (۱۹۷۹). معجم مغاییس اللغة. بی جا: دارالفکر.
 ۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۴). التوحید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۳۷۳). البرهان فی تفسیر القرآن. ایران: بنیاد بعثت.
 ۶. بروجردی، ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر جامع. ایران: صدر.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تسنیم. قم: اسراء.
 ۸. حسینی، بی بی حکیمه و نخعی، مریم. (۱۳۹۵). «اعجاز ادبی قرآن در معناشناسی واژه سماء». نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی. دانشگاه یاسوج.
 ۹. حسینی، سیدمرتضی. (۱۳۹۶ش). «بازخوانی مفهوم واژه سماء در قرآن». تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال چهاردهم، شماره ۳۶، صص ۹۷-۶۵.
 ۱۰. خرم دل، مصطفی. (۱۳۸۴). تفسیر نور. تهران: احسان.
 ۱۱. دیوبندی، محمودحسن. (۱۳۸۵ش). تفسیر کابلی از دیدگاه اهل سنت. تهران: احسان.
 ۱۲. راغب اصفهانی، حسین. (بی تا). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق: محمد سید کیلانی. بیروت: دارالمعرفه.
 ۱۳. زمخشری، جارالله محمود. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب العربی.
 ۱۴. شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳). تفسیر إثنی عشری. تهران: میقات.
 ۱۵. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم. قم: بیدار.
 ۱۶. طالب تاش، عبدالمجید و فروغی، جواد. (۱۳۹۳). پیدایش فضا از نظر قرآن. فصلنامه مطالعات قرآنی.

۱۷. طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲ش). پرتوی از قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۸. طباطبائی، محمد حسین. (۱۴۱۲ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۵۰). ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: فراهانی
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). جوامع الجامع. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶). مجمع البیان فی التفسیرالقرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۲۲. طبرسی، فضل بن سهل. (۱۹۹۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: موسسه الاعلامی للمطبوعات.
۲۳. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). جامع البیان فی تأویل القرآن. تحقیق: عبدالله ترکمانی. ریاض: دار هجر.
۲۴. فیض کاشانی، محسن. (۱۴۱۸). الأصفی فی تفسیر القرآن. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
۲۶. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۸. کاشانی، ملافتح الله. (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. تهران: کتاب فروشی محمد حسن علمی.
۲۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۷۹). بحارالانوار. تهران: اسلامیه.
۳۰. مسترحمی، سیدعیسی. (۱۳۸۷). قرآن و کیهان شناسی. قم: پژوهش های تفسیر علوم و قرآن.
۳۱. مسترحمی، سیدعیسی. (۱۳۹۷). تفسیر آیات نجومی با تاکید بر پاسخ به شبهات. قم: دفتر نشر معارف.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۵). جهان شناسی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱). الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه: تفسیر و بررسی تازه ای درباره قرآن مجید با در نظر گرفتن نیازها، خواستها، پرسشها، مکتبها و مسائل روز. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۵. موريسون، ايان. (۱۳۹۷). آشنایی با نجوم و کیهان شناسی. ترجمه صمد غلامی. تهران: نشر رمز.
۳۶. نصیری قیداری، سعدالله. (۱۳۹۱). آیات نجومی قرآن و تحول علم نجوم. انجمن علمی اعجاز قرآن.
۳۷. نکنونام، جعفر. (۱۳۸۴). «معناشناسی توصیفی سماوات در قرآن». پژوهش دینی. ش ۹. صص ۶۳-۸۴.
۳۸. هاوکینگ-استیون ویلیام. (۱۳۸۴). انفجار بزرگ تا سیاهچاله ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۹. Goodstein, D. (۱۹۹۷). The big crunch. EOS Transactions, ۷۸, ۳۲۹.
۴۰. Hawking, S. W. (۱۹۸۸). A Brief History of Time. Bantam Books.
۴۱. Peacock, J. A. (۱۹۹۹). Cosmological Physics. Cambridge University Press.